


نقد ترجمهٔ رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشتهٔ احمد سعداوی براساس نظریهٔ گارسس

علی بشیری * 

استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

زهرا هادوی خلیل آباد 

کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

چکیده

نقد ترجمه به تحلیل و ارزیابی کیفیت ترجمه از طریق بیان نقاط مثبت و منفی می‌پردازد. یکی از شیوه‌های نقدی به کارگیری نظریه‌ها است. نظریه‌ای که در این پژوهش برای نقد ترجمهٔ رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشتهٔ احمد سعداوی به کار گرفته شده، نظریهٔ گارسس است. این نظریه در سال ۱۹۹۴ توسط کارمن گارسس اسپانیایی پیشنهاد شده که مبتنی بر چهار سطح «معنایی- لغوی»، «نحوی- واژه‌ساختی»، «گفتمانی- کارکردی» و «سبکی- عملی» است که هر سطح دارای زیرگروه‌های مرتبط به خود است. در این الگوی پیشنهادی با کمک این زیرگروه‌ها می‌توان افزایش، مانس (حفظ) و کاهش اطلاعات زبان مبدأ در زبان مقصد و همچنین ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه را بررسی کرد. در نهایت طبق نظریهٔ گارسس بررسی کفایت و مقبولیت هر ترجمه، بستگی به ویژگی‌های مثبت و منفی آن دارد. در واقع هرچه تعداد ویژگی‌های مثبت ترجمه‌ای بیشتر باشد، ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است. این جستار با روش توصیفی- تحلیلی به ارزیابی همهٔ بخش‌های ترجمهٔ امل نبهانی از رمان «فرانکشتاین فی بغداد» در هر چهار سطح نظریهٔ گارسس پرداخته است. طبق بررسی‌های این پژوهش که با جای‌گذاری نمونه‌های قابل تطبیق ترجمه با زیرگروه‌های نظریهٔ گارسس به دست آمده در سطح اول (معنایی- لغوی) و سطح دوم (نحوی- واژه‌ساختی) نظریه، بیشترین نمونه‌ها از ترجمهٔ این رمان یافت شد و به دلیل داشتن ویژگی‌های مثبت که پرشمارتر از ویژگی‌های منفی است این ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، فرانکشتاین فی بغداد، امل نبهانی، نظریهٔ گارسس.

* نویسنده مسئول: a.bashiri@kashanu.ac.ir

مقدمه

برای داشتن ترجمه‌های باکیفیت به نقد ترجمه نیاز است. کیفیت در نقد ترجمه با ویژگی‌های مثبت و منفی بررسی می‌شود. تحلیل و ارزیابی ترجمه‌ها نقش مهمی در ایجاد تعادل بین متن مبدأ و متن مقصد دارد، زیرا با بررسی مسائلی مانند حذف و افزایش‌های بی‌مورد، تغییرات و معادل‌گزینی‌های نامتناسب با بافت و فضای متن و همچنین معرفی زیبایی‌های ترجمه و پیشنهاد ترجمه مناسب باعث ارائه ترجمه‌های باکیفیت و موفق می‌شود. نظریه‌های مطرح شده در مطالعات ترجمه نیز نوعی نقد است با این تفاوت که دارای چارچوبی از اصول و قواعد است.

هر نظریه دارای زیرمجموعه‌ها و ویژگی‌های مرتبط خود است که گاهی این زیرمجموعه‌ها با هم تداخل دارند و گاهی هم با زیرمجموعه‌های نظریات دیگر مشترک هستند. بحث درباره کیفیت ترجمه را می‌توان به طور تمرکز یافته و تخصصی در همایشی که با همین نام در سال ۱۹۵۹ در پاریس برگزار شد، جست‌وجو کرد. در این زمینه کسانی چون فرحزاد، وادینگ‌تون^۱، خمیجانی فراهانی، یارمحمدی و گارسس^۲ تلاش‌هایی به خرج داده‌اند (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲).

نظریه‌ای که در این پژوهش به کار گرفته شده، نظریه گارسس است. این نظریه کیفیت ترجمه را بررسی می‌کند. این نظریه در نقد ترجمه رمانی با عنوان فرانکشتاین فی بغداد به کار گرفته می‌شود. رمان یاد شده در سال ۲۰۱۴ برنده جایزه بوکر عربی^۳ شده است.

پژوهش پیش رو در پی یافتن پاسخ این دو سؤال است که ۱- ترجمه امل نبهانی از کتاب «فرانکشتاین فی بغداد» با کدام سطح یا سطوح نظریه گارسس تطبیق بیشتری دارد؟ و ۲- طبق نظریه گارسس، ترجمه امل نبهانی از این کتاب از نظر کفایت و مقبولیت چگونه است؟

در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به نقد و ارزیابی همه بخش‌های ترجمه رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشته احمد سعداوی پرداخته شده است. برای بررسی

1- Waddington

2- Carmen Valero-Garcés

3- Booker

ویژگی‌های معنایی، دستور زبان، گفتمان، سبک و... در ترجمه «أمل نبهانی»، نمونه‌های ترجمه وی از رمان «فرانکشتاین فی بغداد» در زیرگروه‌های سطوح مختلف نظریه گارسس جای گذاری شده است تا به کمک این زیرگروه‌ها، افزایش، کاهش و حفظ اطلاعات متن مبدأ در متن مقصد و همچنین ویژگی‌های مثبت و منفی و در نهایت کیفیت ترجمه مشخص شود. نتایج در این نظریه به کمک جداول و نمودارها به نمایش گذاشته می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، پیشینه پژوهش به این شرح است: مختاری اردکانی (۱۳۷۶) در مقاله‌ای با عنوان «چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه» با بیان نمونه‌هایی از زبان انگلیسی به معرفی نظریه گارسس به عنوان چارچوبی برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی پرداخته است.

فرزانه (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین بی^۱ براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)» به معرفی نظریه گارسس و نمونه‌هایی از چند ترجمه رمان شاهزاده و گدا پرداخته و جنبه‌های مثبت و منفی هر یک از این ترجمه‌ها را بررسی کرده است.

رشیدی و فرزانه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت اثر میگوئل د. سروانتس^۲ براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)» به بیان درصدهای زیرگروه‌های چهار سطح نقدی نظریه به صورت فراوانی داده‌ها و اعداد و جداول بسنده کرده‌اند.

علی صیادانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ترجمه رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس» ترجمه آل یاسین به بررسی هر چهار سطح نظریه برای تعیین کفایت و مقبولیت پرداخته و بیان داشته که این ترجمه در دو سطح معنایی-لغوی و نحوی-صرفی نسبت به دو سطح دیگر الگوی گارسس موفق تر عمل کرده و در دو سطح اول از کفایت و در دو سطح بعدی فقط از مقبولیت برخوردار است.

1- Twain, M.

2- Cervantes, M.

سپاسی فر (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «نقد ترجمه‌های رمان شرق المتوسط عبد الرحمن منیف براساس الگوی ارزیابی گارسس» به بررسی دو ترجمه پرداخته و مشخص کرده که کدام ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است. محمدنبی احمدی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «نقد ترجمه فارسی داستان «نهرالذهب» براساس نظریه سطح معنایی- لغوی الگوی گارسس» دو سطح از نظریه گارسس را در نقد ترجمه به کار گرفته و بیشترین و کمترین بسامد ویژگی‌های این ترجمه را در دو سطح نظریه بیان کرده‌اند.

نیازی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی کارآمدی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن (مطالعه موردی ترجمه مکارم شیرازی)» به کارآمدی و عدم کارآمدی مؤلفه‌های نظریه گارسس در ترجمه قرآن کریم پرداخته و به معرفی ویژگی‌های مثبت و منفی این نظریه در نقد ترجمه‌های قرآن کریم پرداخته‌اند. طبق بررسی‌های پژوهش حاضر، ترجمه رمان «فرانکشتاین فی بغداد» تاکنون در هیچ الگوی نقدی ترجمه مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲. رمان فرانکشتاین فی بغداد

«فرانکشتاین فی بغداد» نوشته احمد سعداوی نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار عراقی متولد ۱۹۷۳ است که همراه با جنبه داستانی اشاره‌ای هم به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق در دوران بحران داخلی این کشور همزمان با حملات آمریکایی‌ها به عراق دارد. «رمان از دوره‌ای که خشونت‌بارترین جنگ‌های داخلی در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ رخ داد، سخن می‌گوید» (سعداوی، ۱۳۹۶). در این پژوهش از چاپ اول کتاب در سال ۲۰۱۳ استفاده شده است.

۳. نظریه گارسس

نظریه گارسس دارای چهار سطح است و هر سطح نیز زیرگروه‌های مرتبط به خود را دارد؛ این سطوح گاه با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. الگوی پیشنهادی گارسس مشتمل بر چهار سطح تحلیلی بوده و در سال ۱۹۹۴ معرفی شده است. «گارسس برای مقایسه شباهت‌های میان متن مبدأ و ترجمه چهار سطح پیشنهاد می‌کند که این سطوح به گفته او گاه باهم تداخل پیدا می‌کنند» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶). برآیند نظریه گارسس،

بررسی سه مقوله افزایش، مانس (حفظ) و کاهش اطلاعات متن اصلی در متن ترجمه شده است و در نهایت، کفایت و مقبولیت ترجمه، تعیین می‌شود. «گارسس (۱۹۹۴) مدل ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه کرده است که مرکب از مدل پیشنهادی وینه و داربلنه^۱ (۱۹۱۸)، آرا و عقاید دیگر صاحب نظران ترجمه مانند ناید^۲، نیومارک^۳، دلیسل^۴، وازکه ایورا^۵، مونن^۶، نوبرت^۷ و سنتویویاتوری^۸ است» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲). به همین دلیل می‌توان از دیدگاه دیگر نظریه پردازان ترجمه برای توضیح بعضی زیرگروه‌های نظریه گارسس استفاده کرد. «با ارائه مدل گارسس (۱۹۹۴)، مدل جدید و جامع الاطرافی که بدان «سیستم چندگانه» می‌گویند برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی معرفی شده تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای خام، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیز کند» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶).

سطوح چهارگانه گارسس عبارتند از: سطح معنایی- لغوی^۹، سطح نحوی- واژه ساختی^{۱۰}، سطح گفتمانی- کارکردی^{۱۱} و سطح سبکی- عملی^{۱۲} که هر سطح دارای زیرگروه‌های مربوط به خود است که در جدول (۱) ارائه شده است.

-
- 1- Vinay, J-p. and Darblenet, J.
 - 2- Nida, E. A.
 - 3- Newmark, P.
 - 4- Delisle, J.
 - 5- Wazquez. A.
 - 6- Monin, G.
 - 7- Neubert ,A.
 - 8- Saintouio Yatouri
 - 9- Semantic-Lexical
 - 10- Syntactic-Morphological
 - 11- Discursive-Functional
 - 12- Stylistic-Pragmatic

جدول ۱. سطوح و زیرگروه‌های سطوح چهارگانه الگوی گارسس

سطح	زیرگروه سطح
معنایی، لغوی	تعریف یا توضیح لغات بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی - معادل فرهنگی یا کارکردی - اقتباس (معنی نزدیک) - بسط نحوی - قبض نحوی - عام برابر خاص یا برعکس - ابهام
نحوی، صرفی	ترجمه تحت‌اللفظی - تغییر نحو - تغییر دیدگاه - جبران - توضیح و بسط معنا - تلویح، تقلیل و حذف - تغییر نوع جمله
گفتمانی، کارکردی	تعدیل محاوره‌ای - تغییر ساختار درونی متن مبدأ - تغییر لحن - تغییر به علت اختلافات اجتماعی و فرهنگی - حذف حواشی - حذف تعهدات
سبکی، عملی	بسط خلاقه - اشتباه مترجم - حفظ اعلام - حفظ ساختارهای خاص متن مبدأ - بیان نامناسب اصطلاحات - تغییر در صناعات ادبی بالاخص استعاره - پرگویی در برابر ساده گویی

منبع: مختاری اردکانی (۱۳۸۶)

۴. پیاده‌سازی سطوح نظریه گارسس

در این بخش به تطبیق سطوح چهارگانه گارسس با نمونه ترجمه امل نهانی از کتاب فرانکشتاین در بغداد پرداخته می‌شود.

۴-۱. سطح اول (معنایی، لغوی)

۴-۱-۱. تعریف و توضیح بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی و زبانی

تعریف «بیان معنی واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی» (مختاری - اردکانی، ۱۳۷۶). در واقع معادل‌یابی است که به شیوه‌های مختلف از جمله: اسم، عبارات اسمی و شبه جمله صفتی در ترجمه صورت می‌گیرد و نیاز به توضیح با شیوه‌های گوناگون مثل پاورقی نیست. توضیح «عبارت است از افزودن اطلاعاتی که در پی اختلافات فرهنگی و زبانی و اختلاف سطح دانش بین مخاطب متن اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶). در این زیرگروه، مترجم به توضیح اطلاعاتی می‌پردازد که بین دو زبان مبدأ و مقصد مشاهده می‌شود.

وان الصراع خرج عن نطاق السيطرة. وها هو یرتد علیه بشكل شخصی (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: درگیری‌ای که از کنترل خارج شده بود و حالا گریبان خودش را می‌گرفت
(سعداوی، ۱۳۹۶)

در واقع عبارت «ها هو یرتد علیه بشکل شخصی» به معنی «اینک به طور خصوصی به خودش بازمی‌گردد» است که این ترجمه در زبان مقصد کاربردی ندارد و مفهوم را به طور کامل نمی‌رساند و به همین دلیل مترجم برای ترجمه از عبارت «حالا گریبان خودش را می‌گرفت» استفاده کرده است که این معادل یابی برای انتقال معنی عبارت عربی به خواننده مناسب به نظر می‌رسد.

كان الجميع متعلقين على طاولة يفطرون گيمر عرب مع کاهي واستکانات شای داکن و
یثرثرون (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: همه دور میزی نشسته بودند و صبحانه می‌خوردند، سرشیر و کاهي و استکان‌هایی
پراز چای پرننگ، با هم حرف می‌زدند (سعداوی، ۱۳۹۶)

مترجم برای آشنایی مخاطب با واژه «کاهی» از پاورقی استفاده کرده و از آن به عنوان
نانی عراقی مخصوص صبحانه یاد کرده است.

۴-۱-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی^۱

در این زیرگروه، واژگان فرهنگی زبان مقصد جایگزین واژگان فرهنگی زبان مبدأ می‌شود. «معادل فرهنگی یک ترجمه تقریبی است، وقتی واژه فرهنگی متن مبدأ توسط واژه فرهنگی متن مقصد ترجمه می‌شود» (فرزانه، ۱۳۸۷). نیومارک برای توضیح معادل کارکردی می‌نویسد: «این فرآیند رایج که برای واژه‌های فرهنگی به کار می‌رود، مستلزم به کار بردن یک واژه، مستقل از فرهنگ است که گاهی باید با یک واژه جدید خاص همراه شود؛ از این رو، این فرآیند، واژه زبان مبدأ را خنثی یا عام می‌سازد و گاهی هم نکته یا جزئیاتی بدان اضافه می‌کند. این فرآیند که تحلیل محتوای فرهنگی واژه‌ها است، صحیح‌ترین روش ترجمه بوده و عبارت است از زدودن مفهوم فرهنگی از واژه‌ای که صبغه فرهنگی دارد. زمانی که یک واژه تخصصی از زبان مبدأ هیچ معادلی در زبان مقصد نداشته باشد از چنین فرآیندی استفاده می‌شود» (نیومارک، ۱۳۸۲).

1- Cultural or Functional Equivalent

والدلیل أنها لا تحتفظ في ذاكرتها لوقت طويل بأسماء الرجال، بعضهم ممن تعرفهم من نصف قرن تنظر إليهم أحياناً بذهول وكأنهم أشخاص إنبتقوا في الحى فجأة (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: به این دلیل که نمی‌توانست مدتی طولانی اسامی را به یاد بسپرد؛ اسامی کسانی که برخی‌شان را بیش از نیم قرن می‌شناخت و حالا طوری بهشان نگاه می‌کرد انگار ناگهان از زیر زمین سبز شده‌اند (سعداوی، ۱۳۹۶)

عبارت مشخص شده یعنی «گویی ناگهان اشخاصی در محله سر بیرون زدند» که این معادل با توجه به فرهنگ زبان مقصد کاربرد کمتری دارد و مترجم از عبارت «ناگهان از زیر زمین سبز شده‌اند» استفاده کرده است تا مقصود را بهتر انتقال دهد.

ويقول في نفسه «الله يأخذك» قاصداً هذا الدلال الجشع الذي جلبه القدر ليكون امامه على مدار الساعة (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: اما شاید هم دعا می‌کرد که: «خدا از روی زمین برت داره». منظورش البته دلال نفرت‌انگیزی بود که مدام جلوی چشمانش بود (سعداوی، ۱۳۹۶)

عبارت «الله يأخذك» در این رمان برای نفرین به کار رفته که به نوعی واژه‌ای فرهنگی محسوب می‌شود و مترجم سعی کرده برای ترجمه این عبارت از جایگزینی استفاده کند که در زبان فارسی مشهورتر است.

فالقيلة يمكن أن تكون ضربته الكبرى (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: آن شب می‌توانست شب سرنوشت‌ساز او باشد (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه، معادل کارکردی در ترجمه نوشته شده است.

۴-۱-۳. اقتباس^۱

اقتباس یا «معنی نزدیک به کار بردن معادل جافتاده است. در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد و برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی نافع است» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶).

تتکوّم بجسدها الضئیل فی کرسی بجوار النافذة (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: با آن بدن ضعیفش در صندلی کنار پنجره مچاله شده بود (سعداوی، ۱۳۹۶)

«تکوّم» به معنی «کومه شدن، تل انبار شدن، روی هم جمع شدن و انباشته شدن» (آذرنوش، ۱۳۹۶) است که در اینجا مترجم برای ترجمه این واژه که نویسنده برای «جسم» به کار برده، واژه مچاله به معنی جمع شدن استفاده کرده که در زبان فارسی جافتاده تر است.

شاهد جتة أخرى مقلوبة علی وجهها تسبیح فی المیاه أیضاً (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: جنازه دیگری دید که دَمَر بر سطح آب شناور بود (سعداوی، ۱۳۹۶)

واژه مقلوب اسم مفعول از فعل قَلَبَ به معنی «آن چیز را زیرورو کرد، سروته کرد، پشت و رو کرد» (انیس و همکاران، ۱۳۸۶) است که در اینجا نویسنده این واژه را همراه واژه صورت به کار برده که همان معنی دمر (روی سینه و شکم خوابیده و دراز کشیده) (انوری، ۱۳۸۱) را در زبان فارسی می‌رساند.

۴-۱-۴. بسط نحوی^۲

در این روش مترجم بنابر ضرورت دستور زبان متن مقصد، واژه یا عبارتی به ترجمه می‌افزاید. «این روش عبارت است از افزودن یک یا چند کلمه بر حسب ضرورت» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶). ذکر این نکته ضروری است که «بسط نحوی، آن‌گاه که به ضرورت برای برون‌رفت از یک چالش ترجمه‌ای باشد، پسندیده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

1- Adaptation

2- Grammatical Expansion

كان الضيوف؛ صحيفة ألمانية شقراء ضامرة ترتدى نظارة طبية سمیكة تعلقو أنفأً دقیقاً و شفتین رفیعین تجلس مع مترجمها العراقی الشاب و مصوّر فلسطینی بكامیرا محمولة علی التخت المقابل لهادی العتاک بالإضافة إلى صحفی شاب أسمر البشرة هو محمود السوادی القادم فی مدينة العمارة جنوب العراق (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: مهمان‌ها عبارت بودند از: زن خبرنگار موبور و لاغر آلمانی‌ای که لب‌هایی باریک داشت و عینکی ته استکانی روی بینی ظریفش گذاشته بود، مترجم عراقی جوانش، عکاس فلسطینی با هندی کم و یک روزنامه‌نگار سبزه جوان به نام محمود السوادی که از شهر العمارة در جنوب عراق آمده بود (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه، مترجم «عبارت بودند» را به دلیل کامل شدن جمله و قابل قبول بودن آن در زبان فارسی افزوده است.

كان العمید سرور یواصل الاعتذار للسعیدی عن أی معلومات قابلة للنشر (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: سرتیپ سرور مرتباً به خاطر ندادن اطلاعاتی که قابل انتشار نبودند از السعیدی عذرخواهی می کرد (سعداوی، ۱۳۹۶)

فاکتسبوا بعض الاتباع الذین سئموا الوضع العام وما یرونه حولهم، ویبحثون عن خلاص ما (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: آن‌ها موفق شدند از میان کسانی که از وضعیت عمومی موجود و اتفاق‌های اطراف‌شان ناراضی بودند و در جست‌وجوی راه نجات بودند، پیروانی برای خودشان دست‌وپا کنند (سعداوی، ۱۳۹۶)

در نمونه‌های ارائه شده، واژه‌ها و عباراتی که مشخص شده‌اند بنابر دست‌ورزبان متن مقصد در ترجمه اضافه شده است. اگر این واژه‌ها و عبارات در این نمونه‌ها اضافه نمی‌شد به دلیل حذفی که در متن اصلی است در روانی ترجمه مشکل ایجاد می‌شد.

۴-۱-۵. قبض نحوی^۱

قبض نحوی برعکس روش قبلی است و به معنی «به کار بردن یک واژه زبان مقصد در برابر چند واژه زبان مبدأ» است (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶).

فقاده العجز الی باب البیت ولم تضيف شيئاً علی کلماتها الرفضة، جعلته يخرج الی الزقاق وأغلقت الباب خلفه (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: و پیرزن بی آنکه کلامی به همان «نه» اضافه کند او را به سمت در کوچه هدایت کرده و آن را پشت سرش بسته بود (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این ترجمه از یک واژه در برابر چند واژه متن مبدأ استفاده شده است.

بینما هو یحتاج الی لقاءات و احادیث و آراء أكثر تفصیلاً من أجل مطبوع أسبوعی. و یحتاج الی صور خاصة بالمجلة (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: درحالی که او به دیدار و مصاحبه و نظراتی با جزئیات بیشتر برای یک داستان هفتگی نیاز داشت، همین طور عکس های مخصوص مجله خودشان (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه، فعل دو بار تکرار شده که در ترجمه از تکرار دوباره خودداری شده است. در زبان عربی چون جمله فعلیه با فعل آغاز می شود و در این جمله اجزای آن متعدد هستند و فاصله بین فعل اول تا فعلی که دوباره تکرار می شود، زیاد است بر تکرار فعل ایرادی نمی توان گرفت. شاید حتی بهتر باشد که فعل تکرار شود تا در خواندن، خواننده دچار فراموشی فعل نشود و این از آن روی مهم است که فعل حاوی رخداد، مشارکان در آن و زمان است، اما در زبان فارسی چون فعل در آخر می آید و در این بخش جمله بعدی هم نسبت به جمله اول کوتاه تر است در خواندن مشکلی پیش نمی آید، بلکه تکرار فعل، برای خواننده ناخوشایند است.

۴-۱-۶. خاص در برابر عام و برعکس^۱

ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) است یا برعکس. این شیوه معمولاً در مورد اقلام بزرگ تراز واژه به کار می‌رود، اما در مورد واژه هم کاربرد دارد (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷).

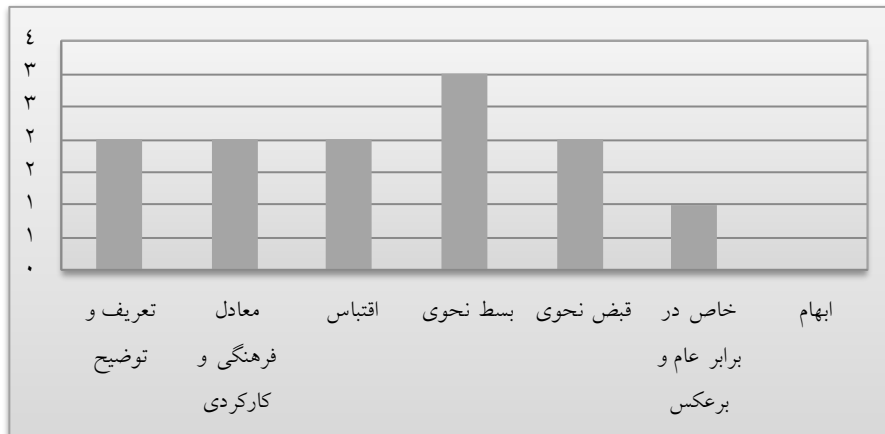
التفت الجميع بسرعة داخل الباص، وشاهدوا من خلف الزحام، وبعيون فزعة (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: جمعیت داخل ون با نگاه‌های ترسان، از ورای ازدحام، به پشت سر نگاه کردند (سعداوی، ۱۳۹۶)

«عیون» اسم ذات است که به اسم عام (نگاه) ترجمه شده است.

۴-۱-۷. ابهام^۲

هنگام ترجمه از زبانی به زبان دیگر، مواردی وجود دارند که در آن مفهومی در متن مبدأ به طور غیرصریح و مبهم بیان می‌شود و لازم است که این مفهوم مبهم در متن مقصد به صورت واضح بیان شود (فرزانه، ۱۳۸۷) که در این زمینه نمونه‌ای یافت نشد. نمودار (۱)، کاربرد سطح یک و زیرگروه‌های این سطح را نمایش می‌دهد.

نمودار ۱. میزان کاربرد زیرگروه‌های سطح یک الگوی گارسس در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد



1- General Versus Particular

2- Ambiguity

۴-۲. سطح دوم

۴-۲-۱. ترجمه ترجمه یک به یک^۱

نوعی ترجمه تحت‌اللفظی یا واژه به واژه است. در این نوع ترجمه، وفاداری به متن اصلی بر روانی متن مقصد ارجحیت دارد (فرحزاد، ۱۳۹۴). در این زیرگروه نمونه‌های فراوانی یافت نشد. شاید بتوان گفت که نمونه‌های کم در این ویژگی یکی از نقاط قوت ترجمه امل نهانی است.

أطل برأسه على سطح أم دانيال، وعلى أسطح البيوت المجاورة (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: به پشت‌بام خانه ام دانیال نگاه کرد و به پشت‌بام‌های دیگر (سعداوی، ۱۳۹۶)

۴-۲-۲. تغییر نحو^۲

در این زیرگروه مترجم به تغییر شکل دستوری واژگان و جملات زبان مبدأ در متن مقصد می‌پردازد. «تغییر (واژه‌ای که کتفورد^۳ به کار برده است) یا «جایگزینی» (اصطلاحی که وینی و داربلنت از آن استفاده کرده‌اند) فرآیندی از ترجمه است که شامل تغییر شکل دستور زبان مبدأ به زبان مقصد است (نیومارک، ۱۳۸۲).

أجرى الأب يوشيا محاولة أخيرة يائسة للاتصال بماتيلدا ولكن هاتفها كان خارج التغطية
(سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: پدر یوشیا بار دیگر ناامیدانه کوشید با ماتیلدا تماس بگیرد، اما تلفنش در دسترس نبود (سعداوی، ۱۳۹۶)

توضیح: تبدیل مصدر به فعل در ترجمه

هما من المخابرات أو الاستخبارات العسكرية أو من جهة أمنية معينة، ومن المؤكد ان لقاءهما مع هادی العتاک سینتهی باعتقاله (سعداوی، ۲۰۱۳)

1- Literal Translation

2- Transposition

2- Catford, J. C.

ترجمه: آن‌ها از وزارت اطلاعات یا اطلاعات ارتش یا از یک جبهه امنیتی مشخص بودند و مطمئناً دیدارشان با هادی به دستگیری او منتهی می‌شد (سعداوی، ۱۳۹۶)
توضیح: تبدیل فعل مستقبل به فعل ماضی

شاهدها وهی تصلی و تتحدث مع القدیس مارگورگیس (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: دید که دعا می‌خواند و با قدیس مارگورگیس حرف می‌زند (سعداوی، ۱۳۹۶)
توضیح: تبدیل حال به فعل

فر العمید سرور من نومته، وحين شاهد كبير المنجمين أمامه خمّن بسرعة أنها قضية ملحة
لاتوجب التأخير حتى طلوع الشمس (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: سرتیپ سرور از خواب پرید و با دیدن بزرگ پیشگویان به سرعت حدس زد که
مسأله مهمی پیش آمده که نمی‌توان تا طلوع خورشید صبر کرد (سعداوی، ۱۳۹۶)
توضیح: تبدیل ماضی به مصدر

از یافته‌های این پژوهش این گونه برمی‌آید که زیرگروه تغییر نحو بیشترین نمونه را در
این ترجمه دارا است.

۴-۲-۳. تغییر دیدگاه^۱

وینی و داربلنه و واز که ایورا بیش از ۱۰ مورد تغییر دیدگاه را برمی‌شمارند؛ از جمله این
موارد عبارت است از: بیان اسم ذات به جای اسم معنا، بیان وسیله به جای نتیجه، بیان از
طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت دو بار منفی
به عبارت مثبت و برعکس، یک جزء به جای یک جزء دیگر، بیان نتیجه به جای وسیله،
بیان مکان به جای زمان، بیان زمان به جای مکان (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶). وی در ادامه
می‌افزاید «البته موارد دیگری از تغییر دیدگاه وجود دارد؛ مثل علائق گوناگون مجاز، کل
به جزء، جزء به کل، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم، عموم به
خصوص، مسبب به سبب، ماکان و مایکون، لازم و ملزوم و... که برای پرهیز از درازگویی
از ذکر آن‌ها درمی‌گذریم» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶).

تتدافع الأفكار في ذهنه بأجزاء من الثانية ويده تضغط على زناد البندقية، ربما قبل أن يحسم امر بشأن الاستجابة الأفضل تجاه هذا المأزق (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: افکار مختلفی در چند ثانیه ذهنش را تسخیر کرد و پیش از آنکه بهترین راه حل را برای آن مشکل بیابد، انگشتش ماشه را فشار داد (سعداوی، ۱۳۹۶)

قال الساحر ذلك، وهو يعلق سيجارة في فمه ويدخن مرتاحاً فاردأ ذراعیه علی مساند الاریکة فی الصالة (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: ساحر با سیگاری آویزان میان دو لبش که به راحتی و با بازوانی افتاده بر دسته های مبل داخل سالن آن را دود می کرد (سعداوی، ۱۳۹۶).

در ترجمه واژه های «ید» (دست) و «فم» (دهان)، واژه های جزئی تر از این دو؛ یعنی انگشت و لب نوشته شده است.

شاب بقمیص وردی لافت وشعر قصیر لایمکن القبض علیه بالاصابع (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: جوانی با پیراهن صورتی تند و موئی آنقدر کوتاه که نمی شد با دست آن را گرفت (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه «الاصابع» به معنی «انگشتان» است که در ترجمه از واژه کلی تر «دست» استفاده شده است.

۴-۲-۴. جبران^۱

این زیرگروه «به معنای جبران از دست رفتن ویژگی های متن مبدأ در ترجمه است. برای این کار با استفاده از شیوه هایی غیر از آنچه در متن مبدأ به کار رفته است، تأثیراتی مشابه در متن مقصد ایجاد می شود» (فرحزاد، ۱۳۹۴) که در این زیرگروه نمونه ای یافت نشد.

۴-۲-۵. توضیح و بسط معنا^۱

در این روش «قسمتی از متن که باید در ترجمه تصریح شود، توضیح یا بسط و معنایی می‌یابد. بسط معنایی به خصوص در ترجمه لغاتی که خاص یک فرهنگ هستند، روشی متداول به حساب می‌آید. وقتی در فرهنگی برحسب ضرورت به موضوعی خاص توجه پیدا می‌شود. «و فور واژگان» پیدا می‌شود مثلاً انگلیسی‌ها لغات زیادی در مورد چوگان دارند. فرانسوی‌ها درباره مشروب و پنیر، آلمانی‌ها در مورد سوسیس، اسپانیایی‌ها راجع به گاو بازی، عرب‌ها در خصوص شتر، اسکیموها در مورد برف و...» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶). در این زیرگروه نیز نمونه‌ای یافت نشد.

۴-۲-۶. تلویح، تقلیل و حذف^۲

عکس روش توضیح و بسط معنا است. در اینجا عناصری که در متن اصلی تصریح شده‌اند در ترجمه به تلویح بیان می‌شوند یا تقلیل می‌یابند و یا به طور کلی حذف می‌شوند (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶).

تفهم البنتنان أن الأم تستعمل ذکری ولدها الراجل کی تستمر فی العیش لا أكثر (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: دخترها می‌دانستند که مادرشان از خاطره پسرش فقط برای ادامه زندگی استفاده می‌کند و نه بیشتر (سعداوی، ۱۳۹۶)

ینادی علیه داخل المجلة فیجده واقفاً أمام باب مکتبه وهو یحمل حقیبته الجلدیة السوداء وعلی وشک المغادرة (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: صدایش می‌کرد و او را می‌دید که جلوی دفترش در حالی که کیف چرمی سیاهش را بر شانه دارد، آماده رفتن است (سعداوی، ۱۳۹۶)

قال له بأنه یعتمد علیه ویثق به کثیراً، وستجری الامور بشکل جید. وان لديه مطلق الصلاحیة لفعل ای شیء (سعداوی، ۲۰۱۳)

1- Explanation

2- Implication, Reduction and Omission

ترجمه: باهر گفته بود که به او تکیه می کند و اعتماد کامل دارد. در ضمن صلاحیت کامل برای انجام هر کاری را دارد (سعداوی، ۱۳۹۶)

در نمونه های مشخص شده، حذف مشاهده می شود. در بعضی از جمله ها نویسنده متن اصلی به توضیح جزئیات پرداخته که در ترجمه این موارد حذف شده است که در بعضی نمونه ها بهتر بود که این جزئیات ترجمه شود.

لذا أخذت النظارة الطبية للعجوز التي وجدتها في جيب قميصه العلوي وارتديتها كنوع من الحاجز الذي يمنع العينين من القفز من مكانهما (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: بنابراین عینک طبی پیرمرد را در جیب پیراهنش پیدا کردم و بر چشم گذاشتم تا چشم ها نیفتد (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه مترجم از نوشتن جزئیات خودداری کرده است. بهتر بود این عبارت ترجمه می شد تا خواننده ارتباط بیشتری با ظاهر این شخصیت داستان (شسمه) برقرار کند. ترجمه پیشنهادی: بنابراین عینک طبی پیرمرد را در جیب پیراهنش پیدا کردم و به عنوان مانعی بر چشم گذاشتم که از بیرون زدن چشم ها از جایشان جلوگیری کند.

۴-۲-۷. تغییر در نوع جمله^۱

در این زیر گروه از نظریه گارسس «گاهی به ضرورت یا به اشتباه نوع جمله عوض می شود مثلاً جمله ساده به مختلط یا مرکب یا برعکس ترجمه می شود یا گاهی وجه جمله عوض می شود» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶).

ثم خفّ الضغط لاحقاً على الأب يوشياً مع انتشار الهواتف المحمولة، واقتناء الكثيرين لها، ما سوى العجوز إيليشوا المكتفية بطقس مكالمة الأحاد (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: بعد از گسترش تلفن های همراه در میان مردم، فشار بر پدر یوشیا کمتر شد، اما ایلیشوای پیر همچنان به تماس روزهای یکشنبه وفادار مانده بود (سعداوی، ۱۳۹۶)

و لم يعرف صدیقه حازم اسباب ذلك إلاً فی وقت لاحق (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: و دوستش، حازم، بعدها علتش را فهمید (سعداوی، ۱۳۹۶)

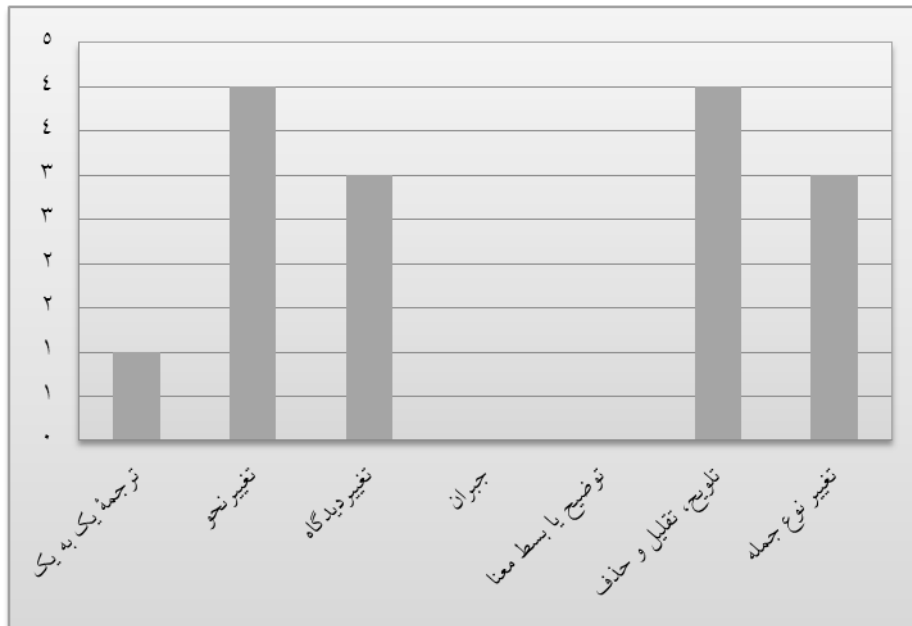
در جمله‌های ذکرشده، جمله‌های منفی به جمله مثبت در ترجمه تبدیل شده است.

شاهد الساحة فارغة، وحفرة غیر عميقة بقطر مترین، وبسطات وعربات متفحمة
(سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: میدان خالی بود، فقط حفره‌ای نه‌چندان عمیق به قطر دو متر و چرخ‌ها و گاری
های سوخته دیده می‌شد (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه جمله معلوم در ترجمه به جمله مجهول تبدیل شده است.
نمودار (۲)، کاربرد سطح دو و زیرگروه‌های این سطح را نمایش می‌دهد.

نمودار ۲. میزان کاربرد زیرگروه‌های سطح دو الگوی گارسس در ترجمه کتاب فرانکشتاین در بغداد



۴-۳. سطح سوم

۴-۳-۱. تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای^۱

این زیرگروه به معنای کاهش اصطلاحات محاوره‌ای است (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶) که در این زمینه نمونه‌ای یافت نشد.

۴-۳-۲. تغییر ساختارهای درونی متن مبدأ^۲

«در این زیرگروه، ساختار دستوری متن مبدأ در ترجمه دگرگون می‌شود» (فرزانه، ۱۳۸۷).

أليس من المفيد ان يشرب هو أيضاً حتى يمتلك شجاعة كافية لتقبيل هذه الأخبار السيئة
في وجوه زملائه؟ (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: شاید بهتر بود خودش هم می‌نوشید و مست می‌کرد تا شهادت پیدا می‌کرد این
خبرهای بد را در صورت رفقایش عق بزند (سعداوی، ۱۳۹۶)

أليسا يعملان، بصيغة أو باخرى، مع الاميركان؟ لماذا يريدان أن يغدوا أمامي وطنيين جداً
(سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: او‌نا با آمریکایا کار می‌کنن، حالا به هر صورتی، چرا می‌خوان جلوی من این‌قدر
خودشونو وطن پرست نشون بدن (سعداوی، ۱۳۹۶)

در دو نمونه ذکر شده جمله سؤالی منفی به جمله مثبت تبدیل شده است.

۴-۳-۳. حذف منظور نویسنده متن اصلی^۳

گاهی تغییرات در ترجمه ممکن است از هدف اصلی نویسنده دور شود؛ «گاهی ممکن است
در ترجمه چنان تغییری ایجاد شود که منظور نویسنده عوض شود» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶).

لم يكونوا راغبين باقائه محجوزاً عندهم وقتاً طويلاً (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: نمی‌توانستند او را مدت زیادی آن‌جا نگاه‌دارند (سعداوی، ۱۳۹۶)

1- Moderation in Conversational Expressions

2- Variation in the Internal Structure of ST

3- Suppression of Committed Subject

بهتر بود مترجم برای ترجمه عبارت «لم یكونوا راغبین بابقائه» از عبارت «نمی‌خواستند بماند» استفاده می‌کرد. با این ترجمه، خواننده مقصود اصلی را متوجه نمی‌شود.

۴-۳-۴. تغییر لحن^۱

حفظ لحن در ترجمه بسیار مهم است. «پیدا کردن لحن مناسب از وظایف بی‌چون و چرای مترجم است و به کمک همین برداشت‌های ذهنی از متن اصلی است که صورت می‌گیرد و گرنه این قسمت از کار را نادیده گرفتن و به جانشینی معادل بسنده کردن کاری است که از عهده ماشین هم برمی‌آید» (امامی، ۱۳۷۲).

مند ضرب الأمیرکان لبدالة العلویة بالصورایخ، ثم دخولهم إلى بغداد، وانقطاع الاتصالات الهاتفیه لشهور طویل (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: اما بعد از انفجار مرکز تلفن و اشغال بغداد توسط آمریکایی‌ها و قطع شدن خطوط تلفن که ماه‌ها به طول انجامید (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه برای ترجمه ورود آمریکایی‌ها به عراق برای رعایت گفتمان زبان مقصد از واژه «اشغال» استفاده شده است.

اعطاء صدیقه جدید، ابن صاحب مطبعة الأنسام، رقم هاتف سمسارة تعمل بشكل سرّی ولزبائن خاصین ومحددین تسمى «رغائب» (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: دوست جدیدش، پسر صاحب چاپخانه «الانسام» شماره تلفن زنی را داد که به طور مخفیانه برای مشتری‌های خاص و مشخص کار می‌کرد و نامش «رغائب» (سعداوی، ۱۳۹۶)

مترجم در این نمونه برای رعایت گفتمان متن مقصد از نوشتن ترجمه واژه «سمسار» خودداری کرده است.

۴-۳-۵. حذف حواشی^۱

حذف حواشی عبارت است از حذف پانوشته‌ها، پیشگفتار، ضمائیم، مقدمه، مؤخره، توضیحات، کتاب‌شناسی، استدراکات، فهرست، اعلام و... که در ترجمه از زبان‌های دیگر به فارسی بسیار رایج است (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶) که در این زیرگروه نمونه‌ای یافت نشد.

۴-۳-۶. تغییر به علت اختلافات فرهنگی و اجتماعی^۲

«نیومارک ۱۲ روش را برای ترجمه موارد مختلف فرهنگی پیشنهاد می‌کند. برخی از مهم‌ترین این روش‌ها عبارتند از: ۱- انتقال واژه فرهنگی به ترجمه، ۲- استفاده از معادل فرهنگی، ۳- زدودن بار فرهنگی واژه؛ یعنی کاربرد معادل توصیفی، ۴- ترجمه تحت-اللفظی، ۵- بومی کردن واژه فرهنگی، ۶- حذف، ۷- استفاده از واژه پذیرفته شده و معیار، ۸- توضیح دادن، حاشیه زدن و... و ۹- استفاده از اسمی که بیانگر نوع است» (فرزانه، ۱۳۸۷).

ما حاجتک بهذه الاتیکات التي يعود بعضها الى الاربعينات من القرن الماضي؟ لماذا لا تبعینها حتب تخففی علی نفسک مهام التنظیف و نفص الاتربة؟ ذکر العتاک کلاماً مثل هذا و هو ينظر بعینین جاحتین إلى غرف بیت العجوز (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: هادی دست فروش در حالی که با چشمان ورقلمبیده‌اش به اتاق‌های خانه پیرزن نگاه کرده بود بارها پرسیده بود چه نیازی به این اشیای قدیمی، که عمر بعضی‌شان به دهه چهل قرن گذشته برمی‌گشت، دارد؟ چرا آن‌ها را نمی‌فروشد تا زحمت تمیز کردن و گردگیری را از سرش کم کند؟ (سعداوی، ۱۳۹۶)

فبامکان رصاصة تنزل من السماء ان تقتله وهو منطرح علی فراشه فی الحوش (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: امکان داشت گلوله‌ای از آسمان فروبیفتد و او را که روی تخت خوابش در حیاط ولو شده بود، بکشد (سعداوی، ۱۳۹۶)

1- Suppression of Marginal Text

2- Changes Owing to Socio-cultural Differences

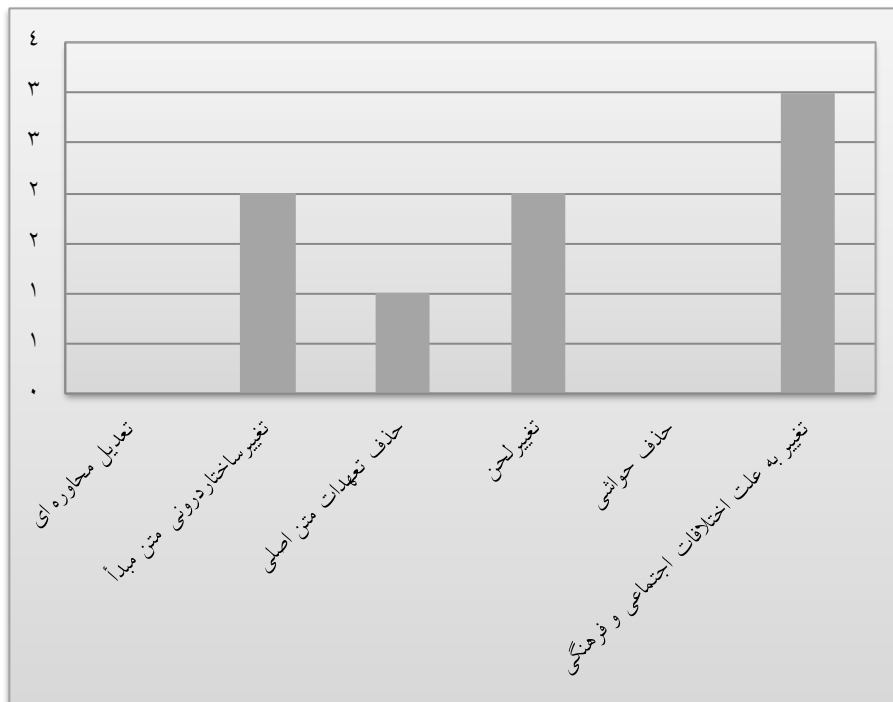
واژه «منطرح» از «انطراح» به معنی انداخته شدن یا پرتاب شدن است که مترجم با توجه به بافت جمله و فرهنگ زبان فارسی از واژه «ولو» استفاده کرده است.

خرج من الحانة ووجد ان خطواته كانت تنتظم على الارض بصعوبة (سعداوی، ۲۰۱۳)
ترجمه: وقتی از کافه خارج شد، متوجه شد که نمی‌تواند گام‌هایش را منظم بردارد (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این نمونه هم مترجم معادلی را به کار برده که از نظر فرهنگی به زبان فارسی نزدیک‌تر است.

نمودار ۳، کاربرد سطح سه و زیرگروه‌های این سطح را نمایش می‌دهد.

نمودار ۳. میزان کاربرد زیرگروه‌های سطح سه الگوی گارسس در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد



۴-۴. سطح چهارم

۴-۴-۱. بسط خلاقه^۱

بسط خلاقه از نظر گارسس ویژگی منفی شمرده می‌شود. گاهی «تغییرات ظریف و زیبایی است که مترجم مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. مترجم ممکن است سبکی را نشان دهد که برای او طبیعی تر است یا میل و ذوق او را اذعان کند» (مختاری- اردکانی، ۱۳۷۶).

ولكنها لم تعلق بشيء. ها هو الاسبوع الثاني ينقضى دون مكالمة (سعداوى، ۲۰۱۳)
ترجمه: اما پیرزن برایش علی‌السویه بود. دومین هفته‌ای بود که بدون تماس تلفنی و در سکوت گذشته بود (سعداوی، ۱۳۹۶:۱۵).

انه يتخلص من اثاث فندقه من اجل ان يستمر فى العيش. من اجل يأكل لأكثر و لأقل
(سعداوى، ۲۰۱۳)

ترجمه: اثاثیه هتلش را می‌فروخت تا بتواند به زندگی ادامه دهد. برای آنکه شکمش سیر شود، نه بیشتر نه کمتر (سعداوی، ۱۳۹۶)

۴-۴-۲. اشتباه مترجم^۲

گاهی اشتباهات مترجم از عدم دقت کافی به معنی واژه یا عبارت است و همیشه مرتبط به کم‌دانی و بدفهمی مترجم نیست؛ مانند بعضی از اشتباهات مترجم که در این پژوهش یافت شده است.

حتى فرج الدلال ذو الشهوة المفتوحة للاستيلاء على بيوت الأموال المجددة التى تركها
اهلها، لم يكثرث لما فعله العتاگ (سعداوى، ۲۰۱۳)

ترجمه: حتی فرج دلال که شهرت زیادی در چنگ انداختن به خانه‌هایی داشت که صاحبانش ترکش کرده بودند به کاری که دست‌فروش کرده بود، اهمیتی نمی‌داد
(سعداوی، ۱۳۹۶)

ظل المحمود يتابع التلفزيون أثناء انشغال السعيدى بمفاوضاته التى لا يمل منها
(سعداوى، ۱۳۹۶)

ترجمه: محمود در طول پرچانگی‌های خستگی‌ناپذیر السعیدی خود را با تلویزیون سرگرم
کرد (سعداوى، ۲۰۱۳)

مفاوضة به معنی «مذاکره، تبادل نظر برای رسیدن به توافق و حل مسأله» (انیس و همکاران، ۱۳۸۶) است، اما پرچانگی به معنی «پرحرفی کردن و زیاد حرف زدن» (انوری، ۱۳۸۱) است.

۴-۳-۴. حفظ اسامی خاص با معادل متن مبدأ^۱

اسم خاص را باید ترجمه کرد یا مستقیماً به ترجمه انتقال داد و در بعضی موارد باید آن را با توضیح همراه نمود (مختاری‌اردکانی، ۱۳۷۶).

تم تسليم أغراض الحارس إلى عائلته؛ ملبسه المدنية وزوج جواریب لم تفتح بعد وقنينة معطر جسم مع المجلد الأول لقصائد السياب طبعة دارالعودة اللبنانية (سعداوى، ۲۰۱۳)
ترجمه: لوازم شخصی نگهبان را به خانواده‌اش تحویل دادند. لباس کار، یک جفت جوراب نو، خوشبوکننده بدن و جلد اول اشعار السياب چاپ نشر العوده در لبنان
(سعداوى، ۱۳۹۶)

فيجد محمود نفسه مع السعيدى يدخلان إلى المنطقة الخضراء مثلاً (سعداوى، ۲۰۱۳)
ترجمه: مثلاً محمود ناگهان متوجه می‌شد که به همراه السعیدی وارد منطقه الخضراء
می‌شوند (سعداوى، ۱۳۹۶)

در نمونه‌های ذکرشده مترجم بعد از انتقال اسم خاص در پاورقی به توضیح آن‌ها نیز پرداخته است.

ولكنه حين نظر إليها وجدها مجرد شجرة بلحاء متشقق. شجرة يوكالبتوس أخرى من أشجار شارع أبي نؤاس (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: اما وقتی به او نگاه کرد، دید که فقط درختی است با پوسته‌ای پاره‌پاره، یک درخت اکالیپتوس در میان درختان بی‌شمار خیابان «ابی نؤاس» (سعداوی، ۱۳۹۶)

در این مورد مترجم فقط به انتقال اسم خاص بسنده کرده است.

۴-۴-۴. حفظ ساختارهای متن مبدأ^۱

اغلب مترجمان کم تجربه در جهت نحو زبان مبدأ عمل و آن را در زبان مقصد منعکس می‌کنند (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶) که در این زیر گروه نمونه‌ای یافت نشد.

۴-۴-۵. بیان نامناسب در متن مقصد^۲

گاهی مترجم در معادل‌یابی اصطلاحات دچار اشتباه می‌شود. «در متن مقصد هر اصطلاح پنج جنبه مختلف معنایی دارد: ۱- معنای مجازی، ۲- معنای تحت‌اللفظی، ۳- ویژگی‌های عاطفی، ۴- خصوصیات سبکی و ۵- رنگ و بوی ملی و قومی که هر یک در انتخاب معادل مناسب قیودی را بر مترجم تحمیل می‌کند» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶).

لم یکن فی صورة حسنة، ملابسه غیر نظیفه و شعره غیر مرتب (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: حال و روز خوبی نداشت. لباس‌هایش کثیف و موهایش ژولیده بود (سعداوی، ۱۳۹۶)

با توجه به جمله بعد، ترجمه «حال و روز خوبی نداشت» برای عبارت «لم یکن فی صورة حسنة» مناسب نیست و «ظاهر یا سر و وضع خوبی نداشت» پیشنهاد می‌شود.

۴-۴-۶. پرگویی در برابر ساده گویی^۳

این روش آخرین چاره مترجم است. «توری» به این روش را نقل به معنی می‌گوید و خاطرنشان می‌کند که همیشه مرز میان این روش (که شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی

1- Maintenance of Typical ST Structures
2- Nappropriate Expression in TT
3- Elaboration Versus Simplification

می‌شود) و افزایش به طور کلی مشخص نیست (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶) که در این زیرگروه نمونه‌ای یافت نشد.

۴-۴-۷. تغییر صنایع ادبی^۱

مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد استعاره را نگاه دارد، چه تعداد را حذف کند و چه تعداد را تغییر دهد (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶).

تلمس هادی بحسه التعلبی هذا الوضع فانتهزه (سعداوی، ۲۰۱۳)

ترجمه: هادی چون روباهی مکار از این وضعیت استفاده کرد (سعداوی، ۱۳۹۶)

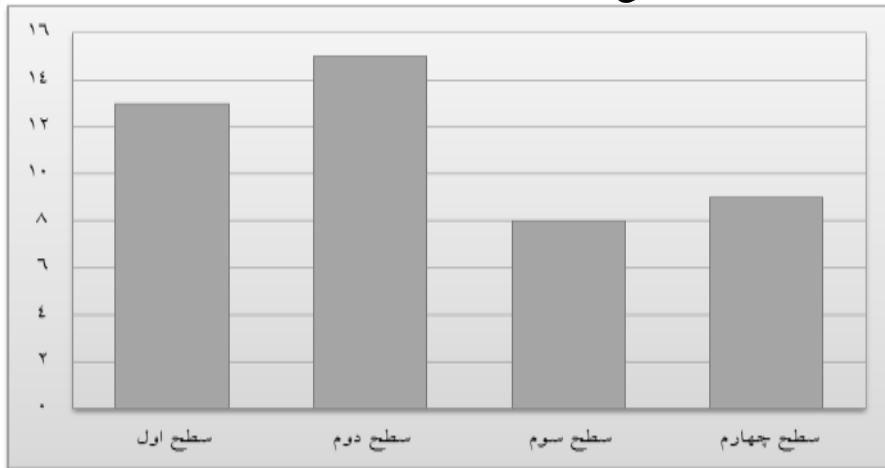
مترجم در این زمینه بیشتر به حفظ تشبیه و استعاره پرداخته است.

نمودار (۴)، کاربرد سطح چهار و زیرگروه‌های این سطح را نمایش می‌دهد. همچنین در نمودار (۵) کاربرد هر چهار سطح نشان داده شده است.

نمودار ۴. میزان کاربرد زیرگروه‌های سطح چهار الگوی گارسس در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد



نمودار ۵. میزان کاربرد سطوح چهارگانه الگوی گارسس در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد



۴-۵. افزایش، مانس (حفظ) و کاهش^۱

در نظریه گارسس افزایش، مانس (حفظ) و کاهش اطلاعات زبان مبدأ در زبان مقصد بررسی می‌شود که این اطلاعات به کمک زیرگروه‌های سطوح چهارگانه گارسس در دسترس قرار می‌گیرد.

در حیطه افزایش، فوننی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند، عبارتند از: «تعریف، بسط، دستورگردانی، دگربینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر ساختار درونی متن مبدأ و بسط خلاقه و تفصیل».

تکنیک‌هایی که در حوزه مانس (حفظ) اطلاعات می‌گنجد، عبارتند از: معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص، حفظ ساختارهای خاص متن مبدأ.

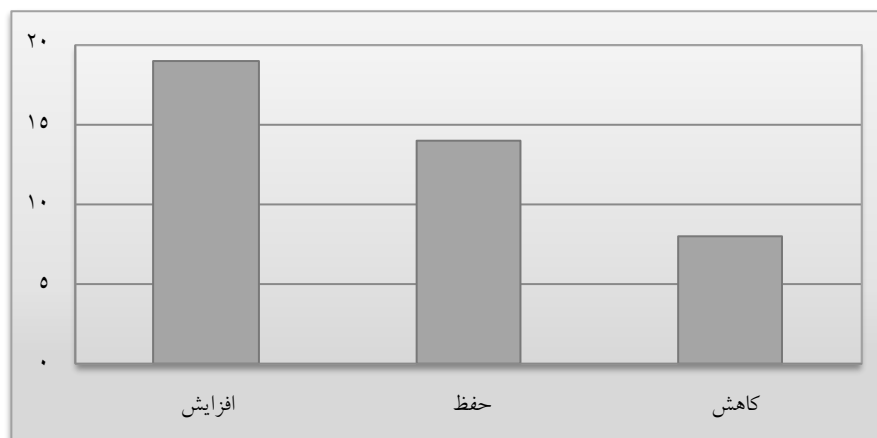
تکنیک‌هایی که کاهش را دربر می‌گیرند، عبارتند از: کاهش، حذف، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (مختاری‌اردکانی، ۱۳۷۶).

نتیجه بررسی افزایش، مانس (حفظ) و کاهش اطلاعات در ترجمه «فرانکشتاین فی بغداد» در جدول (۲) و نمودار (۶) ارائه شده است.

جدول ۲. وضعیت افزایش، مانس و کاهش اطلاعات در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد

تعداد	کاهش	تعداد	مانس (حفظ)	تعداد	افزایش
۲	کاهش	۲	معادل فرهنگی	۱	تعریف
۴	حذف	۲	هماندسازی	۳	بسط
۰	تعدیل اصطلاحات محاوره-ای	۰	ابهام	۴	دستور گردانی
۰	حذف قسمتی از متن یا پاراگراف	-	ترجمه فرضی	۳	تغییر دیدگاه
۲	اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم	۱	ترجمه تحت‌اللفظی	۱	توضیح
		۰	جبران	۳	تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی- فرهنگی
		۳	تغییر نوع جمله	۲	تغییر در ساختار درونی متن مبدأ
		۱	نارسایی در معادل	۲	بسط خلاقه
		۲	تغییر لحن	۰	تفصیل
		۳	حفظ اسامی خاص		
		۰	حفظ ساختارهای متن مبدأ		
۸	جمع کاهش	۱۴	جمع حفظ	۱۹	جمع افزایش

نمودار ۶. افزایش، مانس (حفظ) و کاهش اطلاعات در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد



۴-۶. ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی

ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی در ترجمه با زیر گروه‌های سطوح نظریه گارسس قابل بررسی است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

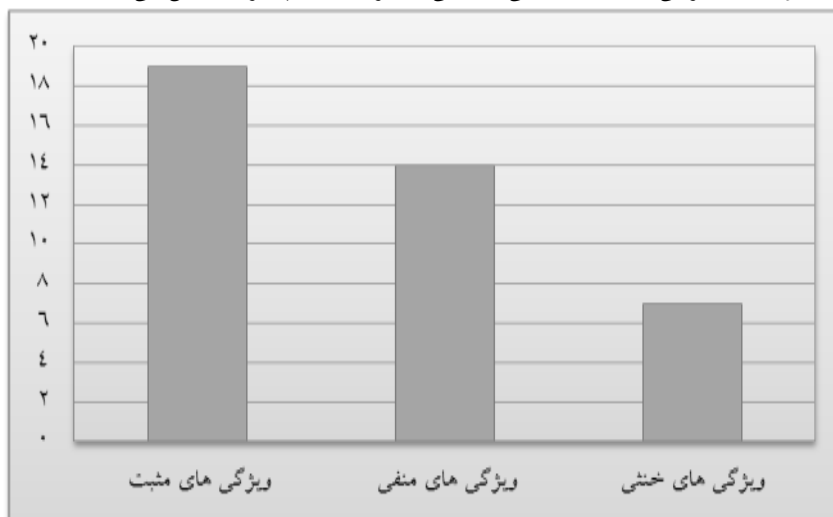
«تکنیک‌های مثبت ترجمه: ۱- معادل فرهنگی، ۲- اقتباس، ۳- بسط، ۴- تعیین، ۵- جبران، ۶- دستورگردانی، ۷- دگربینی، ۸- توضیح، ۹- حذف، ۱۰- تغییر بر حسب اختلافات فرهنگی - اجتماعی و ۱۱- حفظ صناعات ادبی.

تکنیک‌های منفی ترجمه: ۱- ابهام، ۲- ترجمه قرضی، ۳- ساده‌سازی، ۴- ترجمه تحت‌اللفظی، ۵- نارسایی، ۶- تغییر لحن، ۷- تغییر ساختارهای درونی متن مبدأ، ۸- حذف، ۹- تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، ۱۰- کاهش، ۱۱- حفظ ساختارهای متن مبدأ، ۱۲- بسط خلاقه، ۱۳- پرگویی در برابر ساده‌گویی، ۱۴- اشتباه مترجم، ۱۵- حذف صناعات ادبی و ۱۶- تغییر صناعات ادبی.

تکنیک‌های خنثی ترجمه: ۱- تغییر در نوع جمله، ۲- حفظ اسامی خاص متن مبدأ و ۳- تعریف» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶).

نتیجه ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی در ترجمه «فرانکشتاین فی بغداد» در نمودار (۷) و جدول (۳) ارائه شده است.

نمودار ۷. ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد



جدول ۳. ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی در ترجمه کتاب فرانکشتاین فی بغداد

تعداد	ویژگی‌های مثبت	تعداد	ویژگی‌های منفی	تعداد	ویژگی‌های خنثی
		-	ابهام		
		-	ترجمه فرضی		
		-	ساده سازی		
	معادل فرهنگی	۱	ترجمه تحت اللفظی	۲	
	اقتباس	۱	نارسایی	۲	
	بسط	۲	تغییر لحن	۳	
	تعیین	۲	تغییر ساختار درونی	-	
	جبران		متن	-	
۳	دستورگردانی		مبدأ	۴	تغییر نوع جمله
۳	توضیح	۴	حذف	۱	حفظ اسامی خاص
۱	دگربینی	۲	تعدیل	۳	تعریف
	حذف حواشی	-	کاهش	-	
	تغییر بر حسب اختلافات اجتماعی، فرهنگی	-	حفظ ساختارهای متن	۳	
	حفظ صناعات ادبی	۲	مبدأ	۱	
		-	بسط خلاقه		
		-	پرگویی در برابر ساده-گویی		
			اشتباه مترجم		
		-	حذف صناعات ادبی		
		-	تغییر صناعات ادبی		
۷	جمع ویژگی‌های مثبت	۱۴	جمع ویژگی‌های منفی	۱۹	جمع ویژگی‌های خنثی

۴-۷. کفایت و مقبولیت^۱

در مدل پیشنهادی گارسس ترجمه‌ها بر اساس دو معیار کفایت و مقبولیت گروه‌بندی شده است که کفایت و مقبولیت ترجمه با شمارش ویژگی‌های مثبت و منفی مشخص می‌شود. در واقع هرچه تعداد ویژگی‌های مثبت نسبت به ویژگی‌های منفی بیش تر باشد، ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است.

کفایت و مقبولیت در این نظریه یعنی «با استفاده از ویژگی‌های مثبت و منفی معرفی شده در مدل پیشنهادی، شرایط لازم را برای ارائه ترجمه مناسب و خوب هم از لحاظ انطباق مؤلفه‌های واژگانی و عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن و پیام موردنظر و هم از جهت قابل قبول بودن متن ترجمه شده در سیستم زبانی مقصد (زبان فارسی) و میزان پذیرش از سوی خوانندگان متن مقصد فراهم می‌سازند» (فرزانه، ۱۳۸۷).

با توجه ویژگی‌های مثبت بیشتر ترجمه امل نهانی از کتاب «فرانکشتاین فی بغداد» نوشته احمد سعداوی، کفایت و مقبولیت در این ترجمه مشاهده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نمونه‌های یافت شده در این پژوهش از ترجمه امل نهانی در کتاب «فرانکشتاین فی بغداد» و تطبیق آن‌ها با نظریه گارسس، این نکته قابل ذکر است که ترجمه وی بیشتر در سطح اول و دوم این الگوی نقدی قابل بررسی است. مترجم در ترجمه این رمان به افزایش اطلاعات متن مبدأ در متن مقصد روی آورده است و از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به شمار زیاد تغییر نحو (دستورگردانی) و بسط نحوی اشاره کرد. ذکر این نکته ضروری است که ترجمه وی در حفظ اعلام نیز پرشمار است، زیرا این رمان دارای توصیفات فراوانی از مکان‌هایی مثل میدان‌ها، خیابان‌ها، محله‌های قدیمی به ویژه برای اشاره به بمب‌گذاری‌ها، قتل‌های خیابانی و اتفاقات بعد از آن است که امل نهانی بعد از انتقال این اعلام به توضیح بعضی از آن‌ها در پاورقی پرداخته است.

ترجمه امل نهانی از کتاب «فرانکشتاین فی بغداد» به دلیل ویژگی‌های مثبت که پرشمارتر از ویژگی‌های منفی است از کفایت و مقبولیت برخوردار است؛ یعنی این ترجمه از نظر رساندن پیام متن اصلی و مقبولیت ترجمه در سیستم زبانی مقصد موفق عمل کرده است. در واقع مترجم در این ترجمه در ویژگی‌های واژگانی از جمله استفاده از بعضی اصطلاحات رایج در زبان فارسی و همچنین در ویژگی‌های دیگر رمان مثل بازسازی صحنه‌ها، انتقال بعضی ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی رمان، عملکرد مناسبی داشته است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Bashiri

 <https://orcid.org/0000-0001-5401-6049>

Zahra Hadavi Khalilabad

 <https://orcid.org/0000-0003-4302-0506>

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۶). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*. چ ۱۸. تهران: نشر نی.
- امامی، کریم. (۱۳۷۲). *ازبست و بلند ترجمه*. چ ۱. تهران: نشر نیلوفر.
- احمدی، محمدنبی و قنبری، زهرا. (۱۳۹۹). نقد ترجمه فارسی داستان «نهرالذهب» بر اساس سطح معنایی-لغوی الگوی گارسس. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۰(۲۲)، صص ۱۴۷-۱۷۱.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. چ ۱ ج ۲. تهران: نشر سخن.
- انیس، ابراهیم، عبدالحلیم منتصر، عطیه الصوالحی و محمد خلف احمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ المعجم الوسیط (عربی-فارسی)*. ترجمه محمد بندرریگی. چ ۱ و ۲. تهران: نشر اسلامی.
- رشیدی، ناصر و فرزانه، شهین. (۱۳۹۲). ارزیابی و مقایسه در ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت اثر میگوئل د. سروانتس بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۴).
- فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، ۳(۱۵)، صص ۴۱-۵۶.
- سپاسی فر، سنا. (۱۳۹۷). *نقد ترجمه‌های رمان شرق المتوسط عبدالرحمن منیف بر اساس الگوی ارزیابی کارمن گارسس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- سعداوی، احمد. (۲۰۱۳). *فرانکشتاین فی بغداد*. ط ۱. بیروت: الجمل.
- _____ . (۱۳۹۶). *فرانکشتاین فی بغداد*. ترجمه أمل نبهانی. چ ۲. تهران: نیماژ.
- صیادانی، علی؛ اصغرپور، سیامک و خیراللهی، لیلا. (۱۳۹۶). نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» بر اساس الگوی گارسس. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۷(۱۶)، صص ۸۷-۱۱۸.
- عنانی، محمد (۲۰۰۰). *فن الترجمة. الشركة المصرية العالمية*. ط ۵. القاهرة: لونجمان.
- فرحزاد، فرزانه. (۱۳۹۴). *فرهنگ جامع مطالعات ترجمه*. چ ۲. تهران: نشر علمی.

- فرزانه، شهین. (۱۳۸۷). *ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴)*. پایان‌نامه رشته زبان‌شناسی. دانشگاه شیراز.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۴). *درآمدی بر اصول و روش‌های ترجمه*. چ ۲. تهران: نشر دانشگاهی.
- مختاری اردکانی، محمدعلی. (۱۳۷۶). *چهارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه*. مجله مترجم، ۳(۶)، صص ۵۸-۵۰.
- _____ (۱۳۸۶). *استعاره ترجمه (مجموعه مقالات درباره ترجمه)*. چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- معروف، یحیی. (۱۳۸۴). *فن ترجمه (اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی)*. چ ۵. تهران: سمت.
- نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه (باتکیه به زبان عربی)*. تهران: دانشگاه تهران.
- نیازی، شهریار؛ اصغری، جواد؛ فؤادیان، محمدحسن و هاشمی، انسیه سادات. (۱۳۹۹). *بررسی کارآمدی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن (مطالعه موردی ترجمه مکارم شیرازی)*. *دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۲(۱۳)، صص ۳۵۶-۳۱۵.
- نیومارک، پیتر. (۱۳۸۲). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما.

Reference

- Ahmadi, M. N. and Ghanbari, Z. (2020). Critique of the Persian translation of the story of "Nahr alDhahab" based on the semantic level of the Garces model. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*. 10(22). 147-171. [In Persian].
- Anis, I. Montaser, A.H. ALsvalehi, A. and KHalafahmad.M. (2003). *Al vasit dictionary*. Translated in Persian by Mohamad Bandar Rigi. Vol I and II. Tehran: Islami publications. [In Persian].
- Azarnoosh, A. (2017). *Contemporary ArabicPersian Ditionary*. 18th Edition. Tehran: Ney. [In Persian].
- Annani, M. (2000). *A Textbook of Translation*. fifth edition. Cairo: Longman. [In Arabic]
- Anvari, H. (2002). *Sokhan Great Dictionary*. first edition. second volume. Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Emami, K. (1993). *The Ups and Downs of Translation*. first edition. Tehran: Niloufar. [In Persian].

- Farahzad, F. (2015). *Comprehensive Dictionary of Translation Studies*. Second Edition. Tehran: Elmi. [In Persian].
- Farzaneh, Sh. (2008). Evaluation and comparison of Persian translations of the English novel Prince and Beggar by Mark Twain based on Garcés model (1994). Thesis in Linguistics. Shiraz University. [In Persian].
- Lotfipour Saedi, K. (1995). *An Introduction to the Principles and Methods of Translation*. Second Edition. Tehran: University Press. [In Persian].
- Mokhtari Ardakani, M. A. (1997). Theoretical Framework Translation Evaluation. *Translator Magazine*. 6(3). 50-58. [In Persian].
- _____ . (2007). *Translation Metaphor (A Collection of Articles on Translation)*. First Edition. Shahid Bahonar University of Kerman. [In Persian].
- Maroof, Y. (2005). *A Textbook of Translation (theoretical and practical principles of translation from Arabic to Persian and Persian to Arabic)*. fifth edition. Tehran: Samt. [In Persian].
- Niazi, Sh. and Ghasemi Asl, Z. (2016). *The Patterns Of Translation Evaluation (based on Arabic language)*. Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Niazi, Sh.; Asghari J.; Fouadian M. H. and Hashemi E. S. (2016). Study of the Effectiveness of the Garces Model in Evaluating the Translation of the Qur'an. *Translation Studies Of Quran and Hadith*. 2(13). 315-356. [In Persian].
- Newmark, P. (2003). *A Textbook Of Translation, Training Course*. Translator: Mansour Fahim and Saeed Sabzian. Tehran: Rahnama. [In Persian].
- Rashidi, N. and Farzaneh, Sh. (2013). The Evaluation and Comparison of Two Translations of "Don Quixote" by Miguel de Cervantes based on Garces Model (1994) . *Persian Language and Literature*. 4(15). 41-56. [In Persian].
- Sepasifar, S. (2018). Critique of translations of the Middle Eastern novel by Abdul Rahman Manif based on the evaluation model of Carmen Garces. Arabic translator. AlZahra University. [In Persian].
- Saadawi, A. (2013). *Frankenstein in Baghdad*. First Edition. Beirut: Jamal. [In Arabic].
- _____ . (2017). *Frankenstein in Baghdad*. translated by Amal Nabhani. second edition. Tehran: Nimaj. [In Persian].
- Sayadani, A.; Asgharpour A. and Khairollahi, L. (2017). Critique and review of the Persian translation of the novel "Heart of the Night" entitled "midnight" based on the Garces model. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*. 7(16). 87-118. [In Persian].